

**Bloom, Allin. *The Closing of the American Mind: How High Education Has Failed Democracy and Impoverished the Souls of Today's Students.* New York: Simon and Schuster 1987. 392 pp.**

## سیاست، علم و عوام زدگی در دانشگاه‌های آمریکایی

فرهنگ‌هایی مجزا دارند. نابرابری بین دانش‌آموختگان و دانش‌نیاموختگان بیشتر است. دانش‌آموختگان به صرف اینکه راهی را تمام کرده‌اند با آنها که این راه را هرگز شروع نکرده یا در نیمه رها کرده‌اند، هم از نظر دید و برخورد جامعه نسبت به ایشان و هم از نظر آگاهی نسبت به خود با دانش‌نیاموختگان (یا کمتر دانش‌آموختگان) فرق دارند [توجه کنید به تفاوت بین فارغ‌التحصیلان دبیرستان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه، و در بین گروه دوم به تفاوت بین لیسانس‌ها، کسانی که فوق لیسانس دارند و آنها که این راه را تا به آخر رسانده، مدرک دکترا گرفته‌اند]. اینکه این نابرابری بین خود دانش‌آموختگان، و بین آنها و کسانی که این راه را به اتمام نرسانده‌اند، مثبت است یا منفی، بحث‌های گوناگونی را برمی‌انگیزد. با این همه این را نباید انکار کرد که در غالب فرهنگها، از دانش‌آموختگان (کسانی که راه بیشتری را در کسب دانش طی کرده‌اند) انتظار می‌رود که گفتار، کردار و پندارشان با آنهایی که در مرحله علمی عقبتری هستند فرق داشته باشد؛ بدین صورت که با معیارهای آن فرهنگها در سطح والاتری باشد.

تعلیم و تربیت علمی، در هر سطحی، همیشه مورد بحث و گفتگو بوده است تا از اشکالاتی که احیاناً در آن وجود دارد جلوگیری شود. معهدا تعلیم و تربیت در خود تناقضاتی ایجاد می‌کند که خواه ناخواه بسیاری از اشکالات را موجب می‌شود. برای مثال، در بیشتر جوامع (بخصوص جوامع صنعتی و شهری) تعلیم و تربیت علمی با تأکید بر «برابری» آغاز می‌شود. هرکس در سن مشخصی در کودکی (شش یا هفت سالگی) از هر طبقه‌ای که باشد، حق دارد - یا بهتر است بگویم ملزم است - که درس بخواند. نوازه و تسهیلات این برابری نیز غالباً از طرف دولت و نظام سیاسی - حکومتی جامعه تأمین می‌شود. نکته متناقض نما اینکه همین پدیده که براساس برابری ایجاد شده، در نهایت خود عامل ایجاد نابرابری است. این نابرابری هم بین دانش‌آموختگان وجود دارد و هم بین آنها و دانش‌نیاموختگان. در بین افراد دسته اول (یعنی دانش‌آموختگان) نابرابری از نظر نوع تخصص تحصیلیشان و نوع مشاغلی که می‌توانند عهده‌دار شوند وجود دارد. در بسیاری موارد قشرهای مختلف دانش‌آموخته مانند افراد جوامع مختلف با یکدیگر بیگانه‌اند و

تناقض ذکر شده، نمونه‌ای بود از تناقضاتی که در تعلیم و تربیت علمی فی نفسه می‌تواند وجود داشته باشد. الن بلوم، استاد نظریات اجتماعی در دانشگاه شیکاگو، در کتاب اخیرش به نام «بسته شدن ذهن آمریکایی» — که جنجال بسیاری در آمریکا برانگیخته است — از تناقض دیگری در تعلیم و تربیت، بویژه تعلیم و تربیت معاصر دانشگاه‌های آمریکا یاد می‌کند. بحث اصلی بلوم در کتاب مورد بررسی این است که دانشگاه، در جوامعی که افکار عمومی نقش عمده‌ای دارند (بویژه در جامعه آمریکا) می‌بایست مرکز آزادی فکری باشد، بدین معنی که طرز تفکرهای گوناگون بدون محدودیتی، مورد تفحص قرار گیرند. به نظر بلوم، نظام لیبرال دموکراسی سخاوتمندانه چنین امری را ممکن ساخته است، ولی دانشگاه‌های آمریکایی با پذیرفتن نقش اجرایی، بیش از حد تحت تأثیر «مشکلات» جامعه قرار گرفته، در واقع به تعبیری عوام زده شده‌اند و مسائل اصلی دانشگاه‌ها عمدتاً مسائل روزمره جامعه شده است. دانشگاه‌ها و دانشگاهیان با مسائلی مانند بهداشت، جنسیت، نژاد و جنگ خود را مشغول داشته، از این بابت شهرت و ثروتی نیز کسب کرده‌اند. اما سؤال این است: آیا رسالت دانشگاه تنها همین است؟ نویسنده که خود پاسخش منفی است، به نقد و بررسی دانشگاه‌های آمریکا می‌پردازد.

کتاب «بسته شدن ذهن آمریکایی» به سه فصل تقسیم شده است: دانشجویان، پوچ‌گرایی (نیهیلیسم) به طریق آمریکایی، و دانشگاه بلوم در فصل مربوط به دانشجویان، در

بخشهای مختلف، دانشجویان کنونی آمریکا را مورد بررسی قرار داده، آنها را با دانشجویان گذشته (بخصوص دهه ۱۹۶۰) و دانشجویان اروپایی مقایسه می‌کند. به نظر وی دانشجویان کنونی آمریکا کمتر کتاب می‌خوانند و بیشتر با موسیقی روز پسند خود را سرگرم می‌کنند؛ موسیقی که در نهایت برایشان چیزی جز کر شدن به ارمغان نمی‌آورد. دانشجویان کنونی در ارتباطاتشان به اصولی پایبند هستند، اصولی که در غالب موارد با یکدیگر در تضادند و دانشجویان را به جمع اضداد تبدیل می‌کنند. این اصول به قرار زیرند: دانشجویان بدین صورت فردگرا هستند که خود را در مرکز قرار می‌دهند، به برابری معتقدند، با این همه با افراد غیرهمرنگ (سفیدپوستان با سیاه‌پوستان و بالعکس) نمی‌توانند دوستی واقعی ایجاد کنند، در مورد جنس مخالف به آزادی روابط جنسی و برابری زن و مرد معتقدند، خود را جدا از گروه حس می‌کنند، روابط احساسی زیاد و نامشخصی دارند، و عشق‌هایشان پایدار نیست. اکثر این دانشجویان فرزندان افراد طلاق گرفته هستند یا ازدواج‌های خودشان به جدایی منتهی می‌شود؛ موقعیتی که آنها را معتقد می‌کند که انسانها نمی‌توانند با یکدیگر زندگی کنند.

بلوم در فصل «پوچ‌گرایی به طریق آمریکایی»، در بخشهای مختلف، تأکید آمریکاییان را بر «نسبی بودن ارزشها» مورد بحث قرار می‌دهد. به عقیده او خوب یا بد بودن هر چیزی چنان نسبی شده است که به نظر می‌رسد اصولاً هیچ‌هنگاری وجود ندارد. آمریکاییان امروزه معتقدند که افراد نباید از رفتارشان (اگر بد است) شرمند شوند، زیرا

که قضاوت نسبت به آن رفتار می‌تواند [باید؟] با ملایمت بیشتری اعمال شود. از بین رفتن ارزشها چنان ریشه گرفته که حتی معانسی خداوند، عشق و مرگ را نیز تحت الشعاع قرار داده است. آمریکاییان با خداوند، عشق و مرگ به طرز جدیدی برخورد می‌کنند. به نظر فقهای آمریکایی، خداوند «اکنون مرده است» و «جایش به وسیله چیزهای مقدس گرفته شده است» (ص ۲۳۰). عشق نیز کشته شده و «جایش را روابط جنسی و همچنین روابط معنی‌دار گرفته است» (ص ۲۳۰). جای شگفتی نیست که یک علم جدید، علم مطالعه مرگ و طرق کنار آمدن با آن، در مسیری پیش می‌رود که «مرگ» را نیز بمیراند؛ «آنچه جایش را خواهد گرفت، هنوز روشن نیست» (ص ۲۳۰).

بلوم در فصل مربوط به دانشگاه، تصوّر خود را از دانشگاه ایده‌آل ارائه می‌دهد: دانشگاه مرکز آزاد تبادل نظریات است؛ هدف از آموزش صرفاً این نیست که دانشجویان را محقق و دانشمند بار آورد، بلکه قصد دارد به آنها یک فضیلت اخلاقی، یعنی وجدان بیدار، القا کند. به نظر بلوم، دانشگاهها در یک دوره (لااقل در زمان افلاطون) برای آن مقاصد عالی و معنوی ساخته شده بودند، مقاصدی که انسان را به تعظیم و امی داشت. ولی اکنون دانشگاههای آمریکایی در مقاصدشان موقعیت مبهمی دارند. برایشان مشخص نیست که آیا برای تبادل آزاد نظریات به وجود آمده‌اند یا برای اینکه به میل عوام خارج از دانشگاه رفتار کنند و به میل آنها راه حل ارائه نمایند. به نظر

بلوم دانشگاه می‌تواند مثل زمین بازی کودکان باشد که آنها در آن درحین بازی تجربیاتی کسب می‌کنند، تجربیاتی که به آنها کمک می‌کند تا بزرگ شوند. بلوم باور ندارد که دانشگاه باید رهبری جامعه را به عهده داشته باشد، برعکس بر آن است که جامعه باید رهبری دانشگاه را به عهده بگیرد. البته جامعه‌ای می‌تواند چنین نقشی را بازی کند که «دوران کودکی جاودانی را [برای دانشجو در دانشگاه] تحمل و حمایت می‌نماید؛ کودکی که بازی و تفریح و سرزنده بودن آن دوران در عین حال برکتی است برای جامعه» (ص ۲۴۵). به زبان دیگر، دانشگاه عرصه تجربه افکار و کارهای خطیری است که در عرصه اجتماع امکان تجربه آنها کمتر است. این تجربه‌ها انسان‌سازند. دانشگاه بازوی اجرایی جامعه نیست که به حل مشکلات و مسائل آن پردازد و در زمینه‌های دیگر با عوام هم‌نمایی کند.

آنچه بلوم را نگران کرده است، سیاست‌زده شدن دانشگاهها و پیروی دانشگاهیان از افکار قالبی و مسلط است، زیرا او انتظار هدف دیگری را از دانشگاه دارد. البته دانشگاههای شورهای که مدعی دموکراسی‌اند هرگز به شدت کشورهای کمونیستی تحت تسلط حکومت وقت، حزب حاکم و عوام نبوده‌اند. آزادی نسبی مراکز تحصیلی در جوامع دموکراتیک مانع از این نشده که اندیشمندان به نقد و بررسی آن مراکز پردازند. مثلاً در آمریکا کتابهای زیادی تعلیم و تربیت آن کشور را، از دبستان تا دانشگاه، به زیر سؤال کشیده است. یکی از کتابهای

وظیفه را هیچ‌گاه به نحو احسن انجام نداده‌اند. اکنون حتی از کوشش در جهت آن نیز دست برداشته‌اند» (ص ۲۵۶).

بلوم عوامل اصلی تحولاتی را که منجر به چنین نظام تربیتی شده است که هدف آن به جای پرورش «ذهن آمریکایی» بسته شدن آن را دنبال می‌کند، در تغییراتی می‌داند که در دانشجویان، در ارزشهای آمریکایی و در دانشگاهها در دهه‌های اخیر رخ داده است. او ریشه این تغییرات را در تاریخ نظریات سیاسی در غرب و بویژه در آمریکا می‌بیند. نحوه شکل‌گیری دموکراسی در غرب، بویژه با توجه به افکار ماکیاوولی، هابز، لاک، روسو و دیگر اندیشمندان «عصر روشنگری» که همه در تکوین این تحولات دخالت داشته و بر آن تأثیر گذاشته‌اند، در کتاب مورد بررسی قرار گرفته است.

به‌طور کلی نویسنده کتاب «بسته شدن ذهن آمریکایی» معتقد است که بحران اجتماعی و سیاسی قرن بیستم آمریکا در حقیقت یک بحران فکری است. او در کتاب خود ضمن اشاره به بی‌هدفی دانشگاهها و فقدان انگیزه‌یادگیری در دانشجویان و همچنین الفاظ بی‌محتوای «آزادی‌خواهی» و نیز قلع و قمع عقل و خرد با حربه «خلاقیت» نشان می‌دهد که چگونه دموکراسی آمریکا تحت عنوان و پوشش «تساهل»، ناآگاهانه میزبان و پرورش‌دهنده افکار عوام‌پسندانه پوچ‌گرایی و نومیدی و نسبت‌گرایی شده است. بلوم می‌گوید که امروزه جامعه آمریکا دچار جوانانی شده است فاقد هرگونه آشنایی با گذشته و بینش نسبت به آینده که در زمان

قدیمی در این زمینه، کتاب «فرهنگ علیه بشر» (۱۹۶۳) نوشته ژول هنری است که مطالعه‌ای از تعلیم و تربیت دبیرستانهای آمریکایی است. به نظر هنری، تعلیم و تربیت در آن کشور در جهت هم‌نوایی و تطبیق جوانان با ارزشهای جامعه پیش می‌رود؛ به این شکل که حتی هنگام هجی کردن و زمزمه کردن درسها نیز آموزشی اساسی در حمایت از «نظام سرمایه‌داری و رقابت آزاد» وجود دارد. به دانش‌آموزان رقابت آموخته می‌شود: در حسرت موفقیت باشند و از شکست بترسند. در نتیجه طولی نمی‌کشد که دانش‌آموزان به یکدیگر به صورت منبع اصلی شکست می‌نگرند و از یکدیگر به وحشت می‌افتند.

همان‌طور که گفته شد، در اغلب جوامع انتظارات افراد از دانش‌آموختگان این است که در مقایسه با دانش‌نیاموختگان در درجه بالاتری از گفتار و کردار باشند و این حاصل نمی‌شود مگر در اثر تجربه‌ها و آزمون اندیشه‌های متعدد. بلوم کسب این سطح و بالا نزد دانش‌آموختگان را در تعیین و تربیت دانشگاهی می‌بیند. به نظر وی «به‌طور خلاصه، یک قانون ساده برای فعالیت دانشگاه وجود دارد: دانشگاه نباید برای دانشجویانش تجربیاتی به وجود آورد که آن تجربیات در جامعه دموکراسی در دسترس است. چرا که دانشجویان آن تجربیات را به هر حال به دست خواهند آورد. دانشگاه باید امکان تجربیاتی را برای دانشجویانش فراهم آورد که در جامعه نمی‌توانند به دست آورند» (ص ۲۵۶). بلوم معتقد است که در آمریکا این وظیفه مهم نادیده گرفته شده است: «دانشگاهها این

به جوهر آدمی را فراموش کرده، تنها به آموزش فن و فن آوری و آن هم در چارچوب و در راستای سیاست روز می پردازند.  
فاطمه گیوه چیان

حال، بی محتوا و بی افقی در دید روزگار می گذرانند. او می افزاید که دانشگاه های آمریکا که رسالت تعلیم و تربیت را به عهده دارند، تعلیم فلسفه و ادبیات و آگاهی نسبت

**Natalie Kaufman Hevener, *Diplomacy in Dangerous World*, (London: Westview Press, 1986). XII + 286 pp.**

## دیپلماسی در جهان پر- مخاطره: حمایت از دیپلماتها در حقوق بین الملل

کتاب در بخش اول تنها شامل دو مقاله توصیفی است که تنها طرح مسئله است. اما بخش دوم هم جالب است و هم مهم. این بخش شامل یازده سند حقوقی است که به مسئله دیپلماتها و حقوق آنها اختصاص دارد. در مقدمه کتاب آمده است که از هشتم تا دوازدهم مارس ۱۹۸۲ کنفرانسی بین المللی با عنوان «تروریسم بین المللی: امنیت قلمرو و کارکنان دیپلماتیک» در بیلاجیگوی ایتالیا به وسیله مرکز بین المللی دانشگاه کارولینای جنوبی برگزار شد. مطالب ارائه شده در این کنفرانس گفت و شنود محرمانه شرکت کنندگان بوده است که در میان آنها شخصیت های عالی رتبه دولتی، دانشگاهی و رسانه های جمعی از کشورهای مختلف حضور داشتند. به رغم محرمانه بودن کنفرانس، برخی از نکات بحث شده در آن، اگر نه به طور مستقیم، در مقاله ای که جان لارنس هارگروو، دبیر اجرایی جامعه آمریکایی حقوق بین الملل، برای این کتاب با عنوان «امنیت دیپلماتها به مثابه مسئله ای در سیاست گذاری ملی جهانی»

عنوان پر طمطراق بالا بر جلد کتابی که به تازگی به چاپ رسیده و وسوسه انگیز و دعوت کننده است، به چشم می خورد. بویژه که وقایع مهم تاریخی از زمان رسمی شدن دولت های مستقل به عنوان واحد سیاسی مقبول پس از قرارداد وستفالی، در سال ۱۶۴۸ میلادی، هریک بیشترین تأثیر خود را بر مناسبات دولت ها داشته اند. انقلاب کبیر فرانسه، جنگ جهانی اول و دوم، جنگ سرد و تحولات بیدارگرایی در کشورهای آسیایی و آفریقایی نه تنها بر کشورهای درگیر اثر گذاشته است، بلکه باعث تغییر و تعدیل در نظام بین المللی به عنوان یک مجموعه نیز بوده است. انقلاب اسلامی در ایران، به عنوان یکی از وقایع مهم نهضت بیدارگرایی مسلماً تأثیرات دائمی بر جای خواهد گذاشت. کتاب «دیپلماسی در جهان پر مخاطره» خود شاهدهی است بر این مدعا و نویسنده به ظاهر بر آن است که این تأثیر را ارزیابی کند؛ توفیقی سریع نشان می دهد که در واقع محتوای کتاب از چنین تحلیلی خالی است.

نوشته، آورده شده است.

اولین نکته مستتر در حرفهای او این است که اصولاً خشونت‌هایی که علیه دیپلماتها در دهه گذشته رخ داده است (ص ۱۶)، بویژه جریان گروگانگیری انقلابی در ایران، انگیزه و موجد اصلی این کنفرانس بوده است. پیامد این وقایع تنها آسیب‌هایی نیست که از نظر مالی و یا حیثیت بین‌المللی نسبت به برخی کشورها وارد می‌شود، بلکه به گفته نویسنده، «از نظر سیاست بین‌الملل، مهمترین ویژگی متمایزکننده این مسئله این است که عامل بالقوه مهمی است علیه نهاد مرکزی جامعه بین‌الملل، یعنی دیپلماسی» (ص ۱۶). دیگر اینکه دیپلماسی از نهادهایی است که از بین رفتنی نیست و بنابراین باید در تقویت آن بسیار کوشید. نحوه دفاع از دیپلماسی توسط نویسنده حائز اهمیت فراوان است. ما در جهانی متشکل از دولت-کشورهای مستقل زندگی می‌کنیم که هریک از آنها هیچ مرجعی را بالاتر از حکومت مرکزی کشور خویش مشروع نمی‌شناسد. معنی این حرف در مورد سیاست‌گذاری خارجی این است که اگر دولتی بخواهد موضع خاصی را در سطح بین‌المللی القا و یا تقویت کند، می‌بایست نشان دهد که موضوع مورد توجه به نفع همه است. به عنوان مثال در اینجا شرکت کنندگان می‌کوشند به کشورها توجه دهند که حفظ امنیت بین‌المللی و دیپلماتیک به نفع همه است.

مقاله دوم از ویراستار کتاب، خانم ناتالی کافمن هونر، دانشیار دانشگاه کارولینای جنوبی در رشته سیاست و حقوق بین‌الملل،

است. او براساس تجزیه و تحلیل دعاوی ایران و آمریکا در دیوان لاهه به بحث درباره مقولات مربوط به استفاده از حقوق بین‌الملل در امنیت دیپلماتها می‌پردازد. توصیه او این است که اندازه نمایندگی‌ها کوچک شده، و نفرات آن تا حداقل ممکن تقلیل یابند، که به نظر بحثی ساده‌انگارانه است.

همان‌طور که گفته شد، بخش دوم اسناد و مدارکی است که استفاده از آنها به اهل تحقیق توصیه می‌شود. کلیه اسناد کم و بیش در مورد امنیت دیپلماتیک و حفاظت از نمایندگی‌هاست که بسیاری از آنها تا حدودی جزء حقوق بین‌المللی دیپلماتیک است و یا در خواهد آمد. ترجمه عنوانهای اسناد مذکور در زیر ارائه می‌شود:

۱. قضاوت دیوان عالی لاهه در مورد کارکنان دیپلماتیک و کنسولی آمریکا در تهران، مصوب ۱۹۸۰؛
۲. میثاق امنیت دیپلماتها، مصوب در کنفرانس ۱۹۶۱ وین؛
۳. میثاق روابط کنسولی، مصوب در کنفرانس ۱۹۶۳ وین؛
۴. میثاق سازمان کشورهای آمریکایی برای جلوگیری از تروریسم علیه افرادی که در حقوق بین‌المللی موقعیتی بین‌المللی دارند، و تنبیه آن، مصوب کنفرانس ۱۹۷۰؛
۵. میثاق ممانعت از ارتکاب جرم علیه نمایندگان دیپلماتیک و دیگر افرادی که با حقوق بین‌الملل مراقبت می‌شوند، و تنبیه آن، مصوب سازمان ملل در ۱۹۷۳؛
۶. میثاق مربوط به نمایندگی دولتها در روابطشان با سازمانهای بین‌المللی، مصوب

بیمه اجباری نمایندگیها و کارکنان سازمان ملل در ۱۹۷۵؛  
 ۷. میثاق اروپایی در مورد سرکوب و تروریسم، مصوب شورای اروپا در ۱۹۷۷؛  
 ۸. قانون روابط دیپلماتیک برای ممانعت از ارتکاب جرم علیه افرادی که در حقوق بین الملل محافظت می شوند، و تنبیه آن، مصوب کنگره آمریکا در ۱۹۷۶؛  
 ۹. قانون روابط دیپلماتیک و آیین نامه سازمان ملل در ۱۹۷۵؛  
 ۱۰. کنوانسیون مخالفت با گروگانگیری، مصوب سازمان ملل در ۱۹۷۹؛  
 ۱۱. قطعنامه سازمان ملل در مورد روشهای مؤثر برای بالا بردن حمایت از امنیت و سلامت نمایندگان و نمایندگی های کنسولی و دیپلماتیک، مصوب ۱۹۸۴.

## آیا حقوق بین الملل روبه افول است؟ ارزیابی مجدد حدود تفکر حقوقی در امور بین المللی

Carty, Anthony. *The Decay of International Law? A Reappraisal of The Limits of Legal Imagination in International Affairs*. Manchester: Manchester University Press, 1986.

طریقی را برای برقراری پیوند مجدد میان حقوق بین الملل و سایر رهیافتهای هنجاری نسبت به جامعه جهانی عرضه می دارد. کتاب در هفت بخش به شرح زیر تنظیم شده است:

۱. مقدمه
۲. دکترین حقوقی و توسعه مفاهیم حقوق بین الملل
۳. حقوق بین الملل عرفی
۴. مفاهیم حقوقی نظری درباره سرزمین
۵. نظریه های «محض» راجع به حقوق معاهدات: در جهانی بدون دیپلماسی
۶. دکترین حقوقی، اصل عدم مداخله و رویه دولتها
۷. روش حقوقی، «حالت طبیعی» و برخی مسائل معاصر راجع به اصل تعیین

به نظر عده ای، حقوق بین الملل مدت زمانی است که اعتبار خود را در میان دانش پژوهان و دست اندرکاران روابط بین الملل از دست داده است؛ با این حال، حقوقدانان بندرت در این باره از خود سؤال می کنند.

مطالعه انجام شده در این کتاب، تلاشی است اولیه برای طرح نظریه های انتقادی راجع به این موضوع، به منظور نشان دادن ریشه های تاریخی و مفروضاتی که در پس مهمترین مقولات مورد استناد دانش پژوهان و دست اندرکاران یاد شده، قرار دارد. این اثر، در مخالفت با موضوع عنوان شده، منابع حقوقی، شخصیت حقوقی ناظر بر سرزمین، معاهدات و کاربرد زور را تحت بررسی قرار می دهد و

کتاب استاد حقوق بین الملل دانشگاه گلاسکو است.

سرنوشت به وسیله خود لازم به یادآوری است که نویسنده این

**Falk, Richard; Kratochwil, Friedrich; and Mendlovitz, Saul H., eds.**

***International Law, A Contemporary Perspective.* Boulder: Westview Press, 1985. XIII + 702 pp.**

## حقوق بین الملل، نگاهی به موقعیت کنونی آن

منابع حقوق و مشکلات کلاسیک در مورد تعدیل کاربرد زور سخن به میان می آورد؛ و همچنین به مطالبی که در کتابهای درسی حقوق بین الملل معمولاً چندان به آنها پرداخته نمی شود (مانند نیروهای جدید در سیاست جهانی، تقاضای عدالت فردی، تقسیم منابع جهانی، حفظ محیط زیست و حقوق بشر) توجه نشان می دهد. این کتاب با دربر داشتن توضیحات مقدماتی مفصل، موضوعات مطالعاتی دقیقاً طرح شده و پیشنهادهایی برای مطالعات بیشتر، می تواند به صورت کتاب درسی و مرجع ارزنده ای مورد استفاده دانش پژوهان و همین طور علاقه مندان حقوق بین الملل و مسائل بین المللی قرار گیرد. کتاب «حقوق بین الملل، نگاهی به موقعیت کنونی آن» در ۹ فصل به تشریح مسائل زیر می پردازد.

۱. موقعیت ویژه حقوق بین الملل گروسیوس
۲. حقوق بین الملل و مشکلات اجرای آن: جنبه های داخلی و خارجی
۳. دیدگاههای متفاوت، ساختار در حال

این کتاب می کوشد روشها و نهادهای کنونی برای حفظ حداقل نظم جهانی را زمانی مورد ارزیابی مجدد قرار دهد که نظام بین المللی تحت تأثیر فشارهای فزاینده ناشی از مشکلاتی چون مسابقه تسلیحاتی، زیادی جمعیت، کمبود مواد غذایی و تباهی محیط زیست قرار دارد. چنین کتابی می تواند در خواننده تصویری از نقش حقوق بین الملل و همین طور محدودیتهای آن در ایجاد دنیایی به هم پیوسته که در آن دولتها بتوانند روابط متقابل داشته باشند، به وجود آورد. ویراستاران این اثر، ضمن اینکه می پذیرند تصویر حقوق بین الملل در زندگی سیاسی هرگز تیره تر از این نبوده است، یقین دارند که فرصت برای احیای مجدد نظام حقوقی بین المللی باقی است.

در کتاب حاضر، ناهماهنگی حقوقی، تفکرات آرمانی یا شک و تردید در مورد حقوق بین الملل به چشم نمی خورد. این اثر با امکانات بالقوه، گرایشها و روندهایی که نشاندهنده فرصتهای تغییر مسأله آمیزند، به گونه ای نقادانه روبرو می شود؛ از موضوعات سنتی مورد علاقه چون قانونگذاری بین المللی،



- ظهور
۷. تنش میان فرد و دولت
۸. منابع طبیعی و مسئولیتها در جهانی
- مشکل از دولتها
۹. حقوق بین الملل و تغییر نظام جهانی
۴. قانونگذاری در جامعه بین المللی
۵. حل اختلافات
۶. تعدیل کاربرد زور

Elagab, Omer Yousef. *The Legality of Non-Forcible Counter-Measures in International Law*. Oxford: Clarendon Press, 1988. XXIX + 255 pp.

## قانونی بودن اقدامات متقابل غیر زورمندانه در حقوق بین الملل

اقدامات متقابل وجود داشته باشد؛ ۳. اقدامات متقابل غیر زورمندانه مسئولیت دولت قربانی را به خاطر ارتکاب عملی که در غیر این صورت نادرست تلقی می شد، از بین می برد؛ ۴. ملاحظات سیاسی عاملی مهم در احراز قانونی بودن و دامنه اقدامات متقابل به شمار می آید.

کتاب حاضر پیچیدگی های حقوقی کنونی در زمینه اعمال این شکل از تلافی را در تعدادی وضعیتهای مشخص، روشن می سازد؛ بنابراین، قطعاً برای وکلای، دیپلماتها و اساتید و دانشجویان حقوق بین الملل مفید است.

قانونی بودن اقدامات متقابل زورمندانه، در ۱۰ فصل مورد بررسی قرار گرفته است. این فصول عبارت اند از:

۱. توسعه دگرترین اعمال تلافی جویانه در سده های هفدهم و هجدهم
۲. توسعه دگرترین اعمال تلافی جویانه در سده های نوزدهم و بیستم تا سال ۱۹۴۵، با تأکید بر تلافی های غیر زورمندانه
۳. جایگاه اقدامات متقابل غیر زورمندانه در حقوق بین الملل غربی پس از سال ۱۹۴۵:

اقدامات متقابل غیر زورمندانه، مجازاتهای اقتصادی، یا اعمال تلافی جویانه، نوع خاصی از اقدامات معامله به مثل دولتهاست که در پاسخگویی به اکثر موارد نقض حقوق بین الملل به کار می رود. تحوّل برخی اشکال این مجازاتها و تلافی ها، سده های متمادی به طول انجامیده است. افزایش موارد توسل به این اقدامات و همین طور شدت اثر آنها، در حقوق بین الملل امروزی حائز اهمیت درجه نخست است.

این کتاب، با تأکید ویژه بر شرایط توسل به اقدامات متقابل غیر زورمندانه، تاریخچه و جایگاه کنونی این اقدامات را بررسی می کند. البته سؤال اساسی در قسمت اعظم این بحث آن است که چه هنگام اقدام یک دولت به مداخله در امور اقتصادی دولت دیگر قانونی است؟ این مطالعه نشان می دهد که: ۱. تنها هنگامی می توان به اقدامات متقابل غیر زورمندانه متوسل شد که با برخی شرایط قانونی انطباق داشته باشد؛ ۲. محدودیتهای جنبی دیگری نیز ممکن است برای حق توسل به

- اقدامات متقابل مشروع با سایر قواعد بین الملل
۸. قانونی بودن اقدامات متقابل غیر زورمندانه در چارچوب حقوق معاهدات
۹. قانونی بودن اقدامات متقابل غیر زورمندانه در قالب تعهد برای حل و رفع مسالمت آمیز مناقشات
۱۰. قانونی بودن اجبار اقتصادی در حقوق بین الملل عمومی

- طرحی مقدماتی
۴. نقض سابق، به عنوان شرط قانونی بودن اقدامات متقابل غیر زورمندانه
۵. تقاضای قبلی برای جبران خسارت، به مثابه شرط اقدامات متقابل قانونی
۶. اصل تناسب، به عنوان شرط قانونی بودن اقدامات متقابل
۷. برخی محدودیتهای جنبی: رابطه میان

**Grahl-Madsen, Atle. *Territorial Asylum*. Stockholm: Almquist and Wiksell International, 1980.**

## پناهندگی درون مرزی

باشند، اقداماتی به عمل آورند و سپس از آن اقلیتها بخواهند که از حق پناه یافتن در دیگر کشورها استفاده کنند. در مقابل این استدلال، گفته می شود که در جهان واقعی، هنگامی که دیگر تضمینات در مورد حقوق بشر با شکست روبه رو می شود، پناه یافتن در کشور خارجی آخرین حقی است که برای انسان باقی می ماند.

با گذشت زمان ممکن است طرز تلقی ها و استدلالها تغییر کند، اما مسئله پناه یافتن، در گذشته و حال، موضوعی بوده که اغلب در مورد آن توافق وجود نداشته است. به هر حال با وجود همه مجادلات و اختلاف نظرها، بتدریج این فکر ریشه گرفته که دولتها با مقاله نامه ای برای پناهندگی درون مرزی توافق کنند. مقاله نامه مزبور می تواند برای فرد فراری حق سکنی گزیدن در جایی دور از دسترس تعقیب کنندگانش را تضمین کند. این جریان منجر به تشکیل کنفرانس سازمان ملل متحد در

حق پناه یافتن یکی از بحث انگیزترین موضوعاتی است که در میان مسائل مربوط به پناهندگان وجود دارد، زیرا جهان از اوایل سده بیستم همواره با امواج پیاپی پناهندگان جدید روبه رو بوده است. هنگامی که اعلامیه جهانی حقوق بشر به سال ۱۹۴۸ در سازمان ملل متحد مورد بحث قرار گرفت، اکثر اعضا با درج ماده ای در اعلامیه که به پناهنده حق پناه یافتن را بدهد مخالفت کردند. به طور کلی چنین استدلال می شد که هدف اعلامیه جهانی حقوق بشر آن است که همه اعضای یک جامعه زندگی مطلوبی داشته باشند، درحالی که با درج ماده ای که حق پناه یافتن را به رسمیت بشناسد، اعلامیه می پذیرد که در یک جامعه خاص می تواند نسبت به برخی از مردم، آزار وجود داشته باشد. به علاوه به اجرا درآوردن چنین ماده ای خود ممکن است به آزار منجر شود، زیرا دولتها را تشویق می کند علیه اقلیتی هایی که مایل نیستند در سرزمینشان

مورد پناهندگی درون مرزی، به سال ۱۹۷۷ در ژنو، شد.

در کتاب «پناهندگی درون مرزی»، مؤلف کوشیده است جریان تحوّل مزبور را ردیابی و تشریح کند که در یک سند بین المللی مربوط به پناهندگی درون مرزی چه موضوعاتی باید مورد ملاحظه قرار گیرد. این نوشته، دارای ضمایم و پیوستهائی است.

فصل نخست با عنوان مقدمه، حاوی مفاهیم مربوط به پناهندگی، تاریخچه پناهندگی و پیشنهادهائی برای یک مقاله نامه پناهندگی است. فصل دوم به حق اعطای پناهندگی توجه دارد و در این چارچوب، پناهندگی در حقوق بین الملل، محدودیتهای قراردادی حق اعطای پناهندگی و مسئولیت بین المللی، و نقض پناهندگی را مورد بررسی قرار می دهد. فصل سوم به مقررات حقوق داخلی برخی کشورها اشاره می کند که برای فرد، حق کم و بیش کاملی در مورد پناه داده شدن قائل اند. فصل چهارم، مسئله عدم قبول استرداد عدم اجبار به بازگشت و حق پناه داده شدن را مورد بحث قرار می دهد. فصل پنجم بحثی است در مورد محتوای احتمالی یک مقاله نامه پناهندگی و در فصل ششم نتایج کار کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد پناهندگان، به سال ۱۹۷۷ در ژنو، تجزیه و تحلیل می شود فصل هفتم حاوی پیشنهاد تنظیم پروتکلی در مورد پناهندگی درون مرزی است. در ضمیمه شماره ۱، گزارش سمپوزیوم

ناتسن (۱۹۷۶) ارائه می شود. این سمپوزیوم از رویدادهای نادری است که در آن مردم کشورهای مختلف با زمینه های متفاوت گرد هم می آیند تا برای دستیابی به درکی ژرفتر در مورد مسائل به یکدیگر کمک کنند. گزارش مزبور بسیاری از مسائل مربوط به یک پیش نویس مقاله نامه مربوط به پناهندگی درون مرزی را روشن می سازد. ضمیمه شماره ۲، اختصاص به بحثی در مورد «پناهندگان آواره» دارد. این پدیده نمایانگر چهره زشت مسئله پناهندگی است. پدیده مزبور شامل اشخاص زیادی نمی شود و به شرط آنکه تمایل به حل آن باشد به آسانی قابل حل است. ضمیمه شماره ۳ به مسائل آوارگان کنونی می پردازد و مسئله همکاری بین المللی برای حل این مسائل را مورد توجه قرار می دهد.

در قسمت مربوط به پیوستها، از ۴۸ سند مختلف بررسی یا تدوین شده در سالهای ۱۹۲۸ تا ۱۹۷۹، که مستقیم یا غیر مستقیم با مسائل پناهندگان و پناهندگی ارتباط می یابند، مواد مربوط انتخاب و نقل شده اند.

پروفسور گراهل مادسن، مؤلف کتاب حاضر، از نویسندگان معتبر در زمینه حقوق بین الملل مربوط به پناهندگان است. وی نروژی و صاحب کرسی حقوق بین الملل در دانشگاه اوپسالا در سوئد است و همچنین مدیریت مؤسسه سوئدی حقوق بین الملل را بر عهده دارد. گراهل مادسن در امور مربوط به پناهندگان تجربیات عملی فراوانی دارد.

**Frankel, Joseph. *International Relations in a changing World. Fourth Edition. Oxford: Oxford University Press, 1988. 243 pp.***

## روابط بین الملل در جهان متغیر\*

راه حلی ارائه نمی دهد یا پیامی نمی فرستد، بلکه با گمانی آگاه، آینده نگری می کند. کتاب دارای یک پیشگفتار، ۱۱ فصل و نمایه نامهاست. عنوانهای فصلهای کتاب چنین اند: تفکر درباره روابط بین الملل، دولتها، بازیگران غیر دولتی، تدوین سیاست خارجی، کنش و واکنش دولتها و قدرت دولت، ابزار و تکنیکهای کنش و واکنش دولت، نظام بین المللی، ابزار و کارگزاری های جامعه بین المللی، مؤسسات بین المللی، مسائل امروز و فردا.

جوزف فرانکل استاد سیاست در دانشگاه سوتامپتون و عضو مؤسسه سلطنتی مسائل بین المللی بوده است.

در جهان پر تغییر کنونی، روابط بین الملل بسیار پیچیده شده است. کتاب پرفسور فرانکل بررسی روشن و جامع مسائل، ارزشها و تضادهای بین المللی است. نویسنده به کنش و واکنش قدرتهای بزرگ جهان توجه ویژه ای دارد و نشان می دهد که هیچ دولتی درون مرزهای خود کاملاً مصون یا خودبسنده نیست. پرفسور فرانکل برای آشکار کردن کنش و واکنش برخوردهای داخلی و بحرانهای بین المللی به سازمان درگیر می نگرد و مؤسساتی مانند سازمان ملل متحد و جامعه ملل را مورد بحث قرار می دهد.

نویسنده مطالب کتاب خود را در چاپ جدید از لحاظ تحولات بین المللی دهه گذشته، امروزیین کرده است. او در بحثهای خود

ه ترجمه این کتاب در آینده توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی منتشر خواهد شد.

**Dunn, John. *Modern Revolutions; an introduction to the analysis of a Political Phenomenon. London: Cambridge University Press, 1974. 346 pp.***

## انقلابهای جدید؛ مقدمه ای بر تحلیل پدیده سیاسی

نابودی نخبه سیاسی موجود در جامعه و جابه جا کردن آن با گروه یا گروههای

مشروعیت بسیاری از رژیمهای سیاسی امروزیین برخاسته از انقلاب است؛ یعنی از

می‌کند. در عوض، هشت انقلاب بزرگ سده بیستم، انقلاب روسیه، چین، مکزیک، ترکیه، یوگسلاوی، ویتنام، الجزایر و کوبا را در نظر می‌گیرد و چگونگی وقوع آنها را بررسی می‌کند. در رهیابی به بررسی علمی انقلابهای جدید، دانشجویان جامعه‌شناسی سیاسی، علوم سیاسی، تاریخ، و نیز کسانی که صرفاً خواهان اطلاعاتی درباره مقصود و طرز عمل انقلابها هستند، می‌توانند از این کتاب بهره‌یابند.

کتاب علاوه بر یک پیشگفتار، مقدمه‌ای درباره دشواری‌های ایدئولوژیک و تحلیلگران انقلاب جدید دارد و سپس در هشت فصل انقلاب در هشت کشور مذکور، و در بخش نتیجه‌گیری، رهیابی به ارزیابی‌های ایدئولوژیک و توضیح علمی انقلابهای جدید را مورد بررسی قرار می‌دهد.

متفاوت برآمده از داخل همان جامعه. بخش بیشتر منازعه ایدئولوژیک در جهان سیاست نتیجه رو آوردن دوباره به تفسیری از خصلت انقلابهاست که آنها را رخدادهای سیاسی و اجتماعی می‌دانند. جدا کردن ارزیابی‌های ایدئولوژیک و مطلوبیت یا بالعکس آنچه در انقلابها رخ داده‌اند، از توجیهات علت و معلولی و نوع آنها، بسیار دشوار است. سنتهای اصلی تحلیل پدیده‌های انقلابی در این سده، در نتیجه قائل نشدن تشخیص روشن میان توضیح و ارزیابی، آسیب دیده‌اند و از این رو ارزیابی ایدئولوژیک و توضیح علمی انقلابها در سطحی بغایت صوری باقیمانده است.

کتاب جان دان کوششی است برای چاره کردن این وضع. این نوشته یک تئوری تبیینی ماهرانه، یا ارزیابی ایدئولوژیک خاصی ندارد، گرچه از هر دو به طور ضمنی طرحهایی ارائه

**Saleh, Samir. *Commercial Arbitration in the Arab Middle East; A Study in Shari'a and Statute Law*. London: Graham & Tortman Ltd., 1984. 489 p.**

## داوری بازرگانی در خاورمیانه عربی؛ بررسی شریعت و قانون موضوعه

علاقه‌مند بسیار ثمربخش است. تکامل فقه اسلامی، با وجود تفاوت در حوزه‌های قضایی، طی ۱۴ سده قالب و سبک جدیدی یافته است، اما هنوز بسیاری از سنتهای نخستین انقلاب معنوی، اجتماعی و حقوق را حفظ کرده است. با این حال، درک تفسیر یا برآورد کاربرد درست این حقوق در جهان نو، کار دشواری است. دکتر صالح نیز از این مطلب

این کتاب مجموعه‌ای است مفید و علمی درباره حقوق جدید داوری بازرگانی داخلی در ۱۳ کشور خاورمیانه عربی. این حقوق را نویسنده در پرتو تحلیل احیای جایگاه شریعت در جامعه اسلامی توصیف و ارزیابی می‌کند. فهمیدن تأثیر نافذ و فراگیر شریعت در مقررات داوری — دکترین، قوانین موضوعه، رویه‌های قضایی، عرف و رویه محلی — برای خواننده

داوران، انتصاب، پرداخت حق الزحمه ویر - کنار ساختن داور، موارد قابل داوری، شروط داوری، موافقت نامه های داوری، شمار داوران، قوانین ماهوی و قواعد دادرسی حاکم بر داوری، رسیدگی داوری، قواعد مربوط به ارائه گواه و اصول اساسی دادگاه عادل در شریعت، دخالت قاضی، صدور رأی، اجرای رأی، راه حل های قضایی، مفهوم شخص خارجی در شریعت، شروط داوری و انعقاد موافقت نامه های داوری با اشخاص خارجی، و اجرای آرای داوری خارجی را مورد بحث و بررسی قرار می دهد. در بخش دوم، نویسنده به بحث درباره حقوق موضوعه می پردازد و درباره مقررات داوری در حوزه های قضایی سوریه، لبنان، اردن، عراق، مصر، لیبی، کویت، بحرین، عربستان سعودی، قطر، امارات متحد عرب، عمان و یمن شمالی توضیح می دهد. در سه فصل آخر بخش دوم (از فصل ۲۵ تا ۲۷) نویسنده عهدنامه های میان کشورهای عربی درباره اجرای آرای قضایی و داوری، رویه سازش و داوری در عهدنامه مربوط به سرمایه گذاری عرب، مراکز داوری متخصص در دعواهای مربوط به طرف های عرب و شرکتهای عربی را توضیح می دهد و به نتیجه گیری می پردازد.

کاملاً آگاه است و کتاب اوزیربنای «شریعت» را در قوانین موضوعه و رویه های قضایی روشن می کند و نیز روابط پیچیده میان دکترین و واقعیت عمل در حوزه های قضایی مختلف را بررسی می نماید.

این کتاب درباره حقوق داخلی حوزه های قضایی مختلف اطلاعات با ارزشی در اختیار وکلای بازرگانی قرار می دهد و درباره عهدنامه های بین المللی و میان کشورهای عربی مربوط به داوری، سازش و اجرای آرای دادگاهها و محاکم داوری، اطلاعات با ارزشی برای خوانندگان دارد. همچنین راههای حل اختلافات میان مسلمانان و غیرمسلمانان را بروشنی توضیح می دهد.

کتاب در دو بخش (بخش نخست از فصل اول تا یازدهم و بخش دوم از فصل دوازدهم تا بیست و هفتم) نوشته شده است. در بخش نخست کتاب، نویسنده به توضیح و تعریف شریعت و رابطه آن با قوانین اساسی کشورهای عربی می پردازد و اهمیت آن را در داوری بازرگانی باز می نماید. در همین بخش، نویسنده منابع شریعت و حوزه جغرافیایی، تعریف و ویژگی های داوری در شریعت، صلاحیت طرفها در انعقاد موافقت نامه داوری بازرگانی، افراد فاقد صلاحیت، واحدهای حقوقی، طرفهای غیرمسلمان، و نیز صفات

**Hopwood, Derek. Syria, 1945-1986; Politics and Society. London: Unwin Hyman Ltd., 1988. 193 pp.**

**سوریه ۸۶-۱۹۴۵؛  
سیاست و جامعه**

نسبت به سوریه و مردمش، به این کشور می نگرد تا دریابد این مردم تاریخ خود را

سوریه را کمتر با همدردی نگریسته اند؛ اما این کتاب مقدماتی با احساس همدلی

چگونه می‌بینند و سعی دارند چه چیزی به دست آورند. این کتاب نه تنها تاریخ سیاسی و دیپلماتیک است، بلکه درباره اقتصاد، جامعه، آموزش و فرهنگ بحث می‌کند تا در فهم و توضیح سوریه معاصر به خواننده کمک کند.

فصل نخست کتاب درباره عوامل طبیعی و دیگر عواملی بحث می‌کند که بر رشد سوریه تأثیر گذاشته‌اند. بررسی تاریخی کشور عمدتاً دوره پس از جنگ جهانی دوم را در بر می‌گیرد و توضیح می‌دهد که چرا داشتن آگاهی درباره تاریخ سوریه اهمیت دارد و چرا سوری‌ها این گونه به تاریخ خود می‌نگرند. کوشاوردها، مشکلات و شکست‌های حافظ اسد به طور کامل در این کتاب مورد بحث قرار گرفته است. فصل‌های بعدی، عوامل ایدئولوژیک را توضیح می‌دهند که در

سیاست، توسعه آموزش، اقتصاد و جامعه سوریه اهمیت حیاتی داشته‌اند. نویسنده درباره نمونه‌های ادبیات معاصر سوریه بحث می‌کند و راهی معین می‌نماید که بدان وسیله نویسندگان درباره مشکلاتی جامعه و فرهنگشان اظهار نظر می‌کنند.

کتاب شرحی است روشن، موجز و خواندنی از سوریه جدید، و برای همه مطالعه‌کنندگان خاورمیانه، جهان رو به رشد، یا روابط بین‌الملل می‌تواند بسیار مفید باشد. درک هاپوود، کتاب دیگری نیز با عنوان «مصر، سیاست و جامعه ۸۴-۱۹۴۵» نوشته است که در ۱۹۸۵ منتشر شد. او عضو کالج سنت آنتونی در آکسفورد است و ۲۰ سال تاریخ خاورمیانه را تدریس و بارها در خاورمیانه سفر کرده است.

## سازمان آزادی‌بخش فلسطین، مردم، قدرت و سیاست

**Cobban, Helena. *The Palestinian Liberation Organisation; People, Power and Politics.* Cambridge: Cambridge University Press, 1987. 305 pp.**

این کتاب نخستین تحلیل جامع سیاسی از سازمان آزادی‌بخش فلسطین است که از اوایل دهه ۱۹۷۰ به انگلیسی منتشر شده است. هلنا کوبان که از ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۱ به عنوان خبرنگار، مقیم بیروت بود، توانسته است تحولات را از نزدیک بررسی کند و منابع مستند و مجموعه‌های اصلی را مورد استفاده قرار دهد که از آنها در هیچ‌یک از تحلیلهای پیشین از این جنبش بهره گرفته نشده است.

نویسنده معتقد است که سنجش تحولات مهمترین گروه عضو سازمان آزادی‌بخش فلسطین، یعنی الفتح، کلید فهم تحولات این سازمان است؛ بنابراین، تاریخ الفتح را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که منافع آن و منافع سازمان آزادی‌بخش فلسطین چگونه درهم پیچیده شده است. همچنین در مورد روابط متقابل رهبری فتح و عوامل گوناگون تأثیرگذار و تأثیرپذیر از این رهبری، مانند مخالفت‌های

فوریه ۱۹۸۳). بخش دوم با عنوان «روابط داخلی» در فصل هفتم و هشتم، عنوانهای: گروههای چریکی غیر از فتح، و جنبش درون فلسطین تاریخی را بر خود دارد. در بخش سوم با عنوان «روابط خارجی»، در فصلهای نهم تا یازدهم، روابط با عربها و روابط بین‌المللی سازمان آزادی‌بخش فلسطین بررسی می‌شود، و در فصل نتیجه‌گیری نیز هدفهای اقدامات نظامی، استراتژی‌های سیاسی، و مسئله وحدت ملی در سازمان آزادی‌بخش فلسطین بررسی می‌گردد. کتاب پنج ضمیمه، یک نقشه و یک نمودار دارد.

این کتاب نخستین بار در ۱۹۸۴ منتشر شد و یک بار دیگر در همین سال، و نیز در ۱۹۸۵، و دو بار در ۱۹۸۸ تجدید چاپ گردید.

داخلی فلسطین، محیط سیاسی جهان عرب و جنبش مقاومت در نواحی تحت اشغال اسرائیل بحث می‌کند و سرانجام همه شاخه‌ها را به هم پیوند می‌دهد تا به خاستگاههای اصیل ثبات نسبی رهبری فتح طی بیش از ۲۵ سال دست یابد؛ و نیز تأثیر آن را در نواحی اصلی عملیات ارزیابی کند.

کتاب در ۳ بخش و ۱۱ فصل نوشته شده است. نویسنده پس از مقدمه، در فصل اول به بررسی وضع سازمان آزادی‌بخش فلسطین در دهه ۱۹۸۰ می‌پردازد. بخش اول کتاب با عنوان «تاریخ جریان اصلی سازمان آزادی‌بخش فلسطین» از فصل دوم تا ششم عنوانهای زیر را دارد: تخم‌گذاری سمندر (۶۷-۱۹۶۷)، لذت پرواز (۷۳-۱۹۶۷)، گرفتار در تور لبنان (۷۶-۱۹۷۳)، تنگتر شدن تور (۸۰-۱۹۷۷) و بال شکسته (۱۹۸۱) تا

**Johnson, Nicholas I. Soviet Military Strategy in Space.**  
London: Jane's Publishing Company Limited, 1987. 287 p.

## استراتژی نظامی شوروی در فضا

در مدار منجر شود. عصر فضا در پایان سومین دهه‌اش، نسبت به واقعیات ناگوار ستیز جهانی آگاه می‌شود.

نخستین راهیابی اتحاد شوروی به عرصه فضای ماورای جو - پرتاب اسپوتنیک ۱ در اکتبر ۱۹۵۷ - را محافل دولتی ایالات متحد آمریکا، مبارزه‌جویی مستقیم با برتری بی‌چون و چرای علمی، سیاسی و نظامی آمریکا در امور جهانی تلقی کردند. از آن هنگام تاکنون،

طی سده‌ها، اقیانوسهای جهان عرصه طرحهای قدرتهای نظامی و سیاسی بوده است. حال، صحنه برای رویارویی در اقیانوس فضای ماورای جو آماده می‌شود. دو ابرقدرت طی ۲۰ سال، بیشتر منابع نظامی فضایی خود را به سیستمهای طراحی شده‌ای اختصاص داده بودند که بتوانند بر جنگهای روی زمین تأثیر گذارند. اما اینک در راهی قدم گذاشته‌اند که ممکن است سرانجام به برخورد



نهایی درباره استراتژی شوروی برای یک جنگ فضایی توضیح می‌دهد که این سیستمها را چگونه می‌توان به کار برد.

ضمایم کتاب شامل فرهنگ لغات و متن کامل قراردادهای گوناگونی است که تنها فایده‌شان گند کردن حرکت شتابان به سوی برخورد فضایی است، و نه توقف کامل آن.

این کتاب تحلیلی دقیق از اقدامات گذشته و حال و اقدامات پیش‌بینی شده اتحاد شوروی مربوط به نظامی کردن فضا ارائه می‌دهد و روشنترین شرحی است که تاکنون از این تصمیم کرملین داده شده است که باید در رقابت برای کسب جایی بالاتر از همه، ابتکار عمل داشته باشد.

نیکلاس جانسون، مشاور شرکت مهندسی تله‌وینه براون، پیمانکار فضایی آمریکایی، است. اثر دیگر این نویسنده «سال شوروی در فضا» نام دارد.

هر دو کشور آشکارا از راه پرتاب سفینه‌های سرنشین دار، و به طور پنهان از راه توسعه رشته گسترده توانایی‌های نظامی، در راه رهبری مسابقه فضایی رقابت کرده‌اند. نویسنده در کتاب «استراتژی نظامی شوروی در فضا»، نقش شوروی در نظامی کردن فضا، از اولین ماهواره جاسوسی تا سیستمهای ضد ماهواره و خطر ضربت متقابل بر طرح دفاع استراتژیک آمریکا را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

نیکلاس جانسون، تحلیل خود را با بررسی اهمیت فضای نزدیک زمین آغاز می‌کند و به ترتیب ویژگی عام کوشش فضایی شوروی، آثار عملی تازه ماهواره‌های نظامی شوروی، نخستین تولید فضاییهای تهاجمی شوروی، از جمله سیستم بمباران مداری و «مینهای فضایی» ضد ماهواره، و حرکت تازه برای تولید بازدارنده‌های موشک بالیستیک و لیزرهای بسیار قدرتمند قادر به از کار انداختن فضاییهای غربی را بررسی می‌کند. فصل

Steiner, Zara (ed.). *The Times Survey of Foreign Ministries of the World*. London: times Books Ltd., 1982. 624 p.

بررسی مجله «تایمز» درباره وزارتخانه‌های امور خارجه جهان

حساس حیاتی مانند هلسنکی، توکیو و پکن، بررسی روشن و عمیقی به عمل آمده است. اما کتاب از یک نوشته مرجع بالاتر است. فصلهای کتاب را کارشناسان برجسته کشورهای مربوط نوشته‌اند؛ و دیپلماتها و تاریخ‌نویسان و کارشناسان دولتی در تدوین

این کتاب خواننده را با مطالعه معتبری از تاریخ و ترکیب فعلی برجسته‌ترین وزارتخانه‌های امور خارجه آشنا می‌کند. در این کتاب، برای نخستین بار از چگونگی تدوین سیاست خارجی در کاخهای ابرقدرتها، همه کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا و مراکز

جدید در نیوهال کمبریج و مؤلف چند کتاب درباره تاریخ دیپلماسی است. در این کتاب یک یا چند مقاله درباره وزارتخانه‌های امورخارجه هر یک از کشورهای زیر وجود دارد: استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، چین، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، هلند، نروژ، پرتغال، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بریتانیا، ایالات متحد آمریکا.

آن همکاری کرده‌اند. نتیجه این همکاری، بررسی تطبیقی منحصر به فردی از تکامل و نقش ارکان اساسی روابط بین الملل است که همراه با چارتهای سازمانی مفصل و کتابنامه در اختیار خواننده قرار دارد.

«بررسی مجله تایمز درباره وزارتخانه‌های امور خارجه»، در زمانی که امور بین المللی توجه همگان را جلب می‌کند، جای خالی بزرگی را پر می‌نماید.

زارا اشتیز، گردآورنده مقاله‌های این کتاب، عضو و مدیر مؤسسه مطالعات تاریخ

Leonard, Thomas C. *The Power of the Press, The Birth of American Political Reporting*. Oxford: Oxford University Press, 1986. 273 pp.

## قدرت مطبوعات؛ زایش گزارش نویسی سیاسی آمریکا

بسیاری دیگر از مراحل تاریخ آمریکا. توماس لئونارد با ارائه تصویر کاملی از قدرت فزاینده مطبوعات، به این تعارض اشاره می‌کند که گزارش نویسی سیاسی در حالی که یک ضرورت سیاسی برای دموکراسی است، خطری هم برای مشارکت سیاسی به شمار می‌رود.

توماس لئونارد، استاد دوره فوق لیسانس روزنامه نگاری در دانشگاه کالیفرنیا، برکلی، است. او کتاب «بر سر نبرد: جنگ افروزی در آمریکا از آپوماتکس تا ورسای» را نوشته است.

کتاب «قدرت مطبوعات» پس از مقدمه‌ای درباره زبان اختصاصی مطبوعات و سیاست آمریکا، مباحث زیر را در چهار فصل

در کتابهای زیادی نوشته شده است که روزنامه نویسان آمریکایی قدرت سیاسی دارند. اما مندرج در کتاب «قدرت مطبوعات» درباره چگونگی به دست آمدن این قدرت از دیگر کتابها جامعتر است. این کتاب نشان می‌دهد که گزارش نویسی سیاسی در مراحل افسون کننده و حساس تاریخ آمریکا چگونه نضج گرفت. می‌توان به مراحل زیر اشاره کرد: گزارش نویسی دقیق اما فاقد احساسات در دوره انقلاب، گزارش نویسی مذاکرات کنگره در دوره‌های مختلف، نقش روزنامه «نیویورک تایمز» و هفته نامه «هارپر» در فعالیتهای سیاسی، دوره «علنی کردن افتضاحات روزنامه‌ها» در آغاز سده بیستم، و

افتتاحیات روزنامه‌ها؛ گزارش نویسی به عامه  
خیالی؛ و سخن آخر.

در بر دارد: رویه‌های جدید و برنامه‌های جدید  
مطبوعات سده هیجدهم؛ واژه‌ها و تصویرها در  
یک دموکراسی؛ در راه‌های علنی کردن



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علوم او مطالعات فریښی  
پرتال جامع علوم انسانی